

### به سمت مشهد

بهای حرفه‌ای شدن را با رفتن و آمدن‌های پیوسته میان بجنورد و مشهد می‌پرداخت. تابستان بود یازمستان، در برنامه‌اش تأثیری نداشت. ساعت ۶ صبح خودش را می‌رساند به پایانه اتوبوس‌های بین شهری و سه ساعت راه را طی می‌کرد تا به مشهد برسد. بعد هم یک راست به فلکه عدل خمینی و ساختمان شهرداری منطقه ۸ می‌رفت که کلاس‌های استاد پورحسن در آن برگزار می‌شد. این مسیر تکراری، عصر جمعه به صورت معکوس، انجام می‌شد و علیرضا را که جوانی بیست و هشت ساله و صاحب کمربند مشکی بود، حرفه‌ای‌تر از پیش، به کلاس‌هایش در بجنورد بازمی‌گرداند.

کمی بعد، ازدواج و انتخاب مشهد به عنوان سکونتگاه دائمی، فصل جدیدی را در باشگاه داری او در محلات مختلف مشهد آغاز کرد؛ «رسالت ۳۰» در قاطمیه، مجموعه ورزشی قدس در خیابان المهدی (ع)، خیابان شهید ابراهیمی در خیرآباد و چند جای دیگر در همین محدوده باشگاه داری می‌کردم. از حدود یک سال پیش، با پیشنهاد و استقبال مدیران مسجد بلال، باشگاه این مسجد را دست گرفتیم.»



### مسجد بلال، کانون فعالیت‌های تازه

برخلاف برخی دیدگاه‌های سنتی که با قائل بودن باشگاه به عنوان ضمیمه فعالیت‌های فرهنگی مسجد مخالف هستند، برخی دیگر مانند حجت الاسلام والمسلمین دسترس، امام جماعت و نیز هیئت امنای مسجد بلال واقع در خیابان شیخ صدوق، آن را به عنوان مکمل فعالیت‌های مسجد ضروری می‌دانند. حمایت‌های همه‌جانبه آنان از کودکان و نوجوانانی که مسجد را به عنوان خانه امن الهی، محلی برای رشد می‌بینند، ثمرات اولیه‌اش را خیلی زود و با قهرمانی‌های پی‌درپی هنرجویان این باشگاه در مسابقات قهرمانی استان و کشور نشان داد. صبوری، به عنوان مربی این باشگاه و دارنده کمربند مشکی دان ۶، گوشه‌ای از این موفقیت‌ها را خلاصه شرح می‌دهد: «پارسال، بچه‌های مادر مسابقات استانی و کشوری ۵۴ مدال به دست آوردند. در بین این بچه‌ها، امیدهای قهرمانی در سطح آسیا را داریم و اگر پارسال، صدور ویزا برای حضورشان در مسابقات آسیایی، با چالش مواجه نمی‌شد. قطعاً افتخاراتی بیش از این به دست می‌آوردیم.

او می‌گوید: انتخاب تیم آکادمی ابوالصالح المهدی (ع) از مسجد بلال به عنوان پرافتخارترین تیم شرکت‌کننده در مسابقات قهرمانی کشور، افتخار دیگری بود که پاییز پارسال از آن نوجوانان منطقه مآ شد. آن‌ها با هشت ورزشکار در مسابقات شرکت کرده بودند و پنج مدال طلا به دست آوردند.

### رسالتی فراتر از ورزش

سه شنبه شب است و دورهمی هیئتی‌های مکتب حضرت علی اصغر (ع) در منزل یکی از نوجوانان برقرار است. هم‌زمانی این جلسه هفتگی با دومین شب از محرم، شور حضور در آن را دوچندان کرده است. ایاب و ذهاب برخی نوجوانان را علیرضا صبوری به عهده گرفته است و برخی دیگر، به همراه پدرهایشان به جلسه آمده‌اند. هر کس، وظیفه‌اش را می‌داند و امورات، از سوی کودکان و نوجوانان هفت تا پانزده ساله در حال انجام است. می‌دانند که همه‌کاره مراسم خودشان هستند و مسئولیت پذیری را از هم اکنون تمرین می‌کنند؛ از نصب بلندگو و راه‌اندازی سیستم صوت گرفته تا فضاآرایی، تدارکات، کفش‌داری، پذیرایی و حتی مداحی. کودکی را که پشت بلندگو قرار گرفته است، می‌شناسیم. محمد طاهر رضایی است. قهرمان کشوری کاراته و امید محله خیرآباد که چندی پیش با او مصاحبه کرده بودیم. زیارت عاشور را می‌خواند و بلندگو را به ریفیکش، مرتضی براتی می‌دهد. او هم از قهرمانان کشوری کاراته است و از وقتی در فضای هیئت قرار گرفته است، مدح اهل بیت (ع) در کنار جزخوانی در اجتماعات شبانه، به یکی از علاقه‌هایش تبدیل شده است.



صبوری در تکاپوی هماهنگی میان بچه‌ها و نظم دادن به جلسه‌ای است که تا چند دقیقه دیگر با سخنرانی حجت الاسلام والمسلمین امانی، ویژه کودکان و نوجوانان، ادامه پیدا می‌کند. وقتی از آقای مربی در باره طعم ارتباط مستمر با این رده سنی می‌پرسیم، لبخند می‌زند. از شیرینی‌های آن می‌گوید و رسالتی که برای تربیت ورزشی و اجتماعی نوجوانان محله بر دوش خود حس می‌کند.

### برنامه‌ریزی برای رشد همه جانبه

هفت طلای کشوری، دارنده طلای آسیایی در مسابقات سال ۲۰۲۰، بهترین داوور مسابقات جهانی در سال ۲۰۲۶، دارنده مدرک داوری درجه ۲ ملی و مربیگری درجه ۳ ملی بخشی از افتخاراتی است که صبوری به دست آورده است. او با وجود اثبات توانمندی‌هایش در کاراته، موفقیت را چند بُعدی می‌داند و از طرز فکری می‌گوید که به ایجاد پیوسته‌های فرهنگی برای هنرجویان باشگاه مسجد بلال، منجر شده است؛ «رشد باید همه‌جانبه باشد، نه تک بعدی و ورزشی صرف. برای من که در فضای مسجد زیست کردم و بزرگ شدم، این یک اصل است. اعتقاد دارم هنر جوهای من وقتی به انسان کامل بودن، نزدیک می‌شوند که رشد جسمی و رشد روحی معنوی را با هم تجربه کنند. فلسفه جذب آنان به هیئت نوجوانان مکتب حضرت علی اصغر (ع) همین بود.

او از تأثیر حضور مستقیم نوجوانان در این هیئت بر عملکرد ورزشی‌شان این‌طور می‌گوید: یکی از کارهای مربی، آرام کردن ورزشکار و بالا بردن قدرت روحی او پیش از مسابقه است. بچه‌های باشگاه، از وقتی به هیئت می‌آیند، به حضرات معصومان (ع) نزدیک‌تر شده‌اند. مفهوم توسل به جانان نشسته است. می‌بینم که قبل از مسابقات، در خلوت خودشان به یکی از ائمه معصوم (ع) توسل می‌کنند و با توکل، وارد رقابت می‌شوند.



### جذابیت نقش‌های تازه

مصطفی رضایی  
پدر هنرجو محمد طاهر رضایی

به نظر من و به گواه بقیه خانواده، پسر، محمد طاهر، از یکی دو سال پیش که با استاد صبوری آشنا شده است، دارا از همه نظر رشد می‌کند. منظورم فقط رشد ورزشی نیست. او اخلاقش بهتر شده، روابط عمومی‌اش خوب شده، همچنین دغدغه‌های مذهبی و فرهنگی پیدا کرده است. هیئت‌شان را خیلی دوست دارد و پای ثابت آن است. اینکه انجام مسئولیت دارد، مداحی می‌کند، جزو گروه سرود شده است، جایزه می‌گیرد و پای منبری می‌نشیند که متناسب با سن و فهم او صحبت می‌شود؛ همه این‌ها برایش جذاب است. آقای صبوری با مؤسسه منتظران ظهور استاد شجاعی همکاری می‌کند. پسر و بقیه بچه‌های باشگاه هم به این واسطه، شده‌اند خادم امام زمان (ع) و در اجتماع‌های شبانه برای معرفی حضرت، کارهای تبلیغی انجام می‌دهند.

### من هم الگو دارم

مرتضی براتی  
دانش آموز پایه چهارم، هنرجوی کاراته

از سال ۱۴۰۳ با آقای صبوری و کلاس‌های مسجد بلال آشنا شدم. قبلاً به هیئت بچه‌ها رفته بودم اما از وقتی ایشان را شناختم، سه شنبه‌ها همیشه می‌روم هیئت مخصوص خودمان. جای خیلی باحالی است، چون همه تقریباً هم سن هستیم و حاج آقای روحانی با حوصله برایمان حرف می‌زند. من در هیئت مداحی می‌کنم و پذیرایی و مجریگری. توی هیئت و باشگاه با استاد صبوری، رابطه خوبی دارم. ایشان الگوی من هستند و دلم می‌خواهد وقتی که بزرگ شدم مثل ایشان، یک مربی عالی شوم.

